

# کتابخانه

## در کتاب‌های درسی

محمد مرادی

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و دبیر دبیرستان‌های همدان

### چکیده

در این مقاله ابتدا توضیح مختصری درباره کژتابی می‌آید و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن با ایهام بازگو می‌شود. سپس دو نمونه از خودآزمایی‌های درس پانزدهم زبان فارسی سال دوم و یکی از فعالیت‌های زبان فارسی سال سوم علوم انسانی، که دارای کژتابی هستند مطرح می‌شوند تا اشکالاتی که در حل این تمرین‌ها در کتب کمک‌آموزشی وجود دارد، نقد و بررسی گردد. در پایان نیز پاسخ‌های درست و جامع نمونه‌ها بیان می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** کژتابی، ایهام، انواع کژتابی، کژتابی در کتاب درسی، روش اصلاح کژتابی

### مقدمه

یکی از مباحث درخور توجه در درس زبان فارسی کژتابی یا همان ایهام است. کژتابی جز اینکه یک معضل نگارشی محسوب می‌شود، یکی از موضوعات مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد؛ چون در بسیاری موارد، پی بردن به آن به دقت و تمرکز خاصی نیاز دارد. از طرف دیگر، این مشکل مختص نگارش نیست و در نوشته‌ها و گفتارهای ادبی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی، علمی، و... نمود پیدا می‌کند و اگر نگاهی به کتب، مجلات، روزنامه‌ها و رسانه‌های گوناگون بیندازیم، نشانه‌هایی از آن را خواهیم دید. نکته درخور توجه در این زمینه این است که

مبحث قصد ایرادگیری از صاحب‌نظران محترم را ندارد بلکه هدفش بیان اهمیت و جایگاه کژتابی و روش اصلاح آن است؛ چون بعضی از کژتابی‌ها آن‌چنان پیچیده و ظریف‌اند که ذهن انسان را بیشتر از سخت‌ترین سؤالات ریاضی و فیزیک به خود مشغول می‌کنند.

### کژتابی

اگر یک واحد زبانی طوری به کار برود که به چند صورت تعبیر شود و چند معنا از آن دریافت گردد به آن کژتابی می‌گویند. اگرچه کژتابی همان ایهام است اما جلال‌الدین کزازی از آن به‌عنوان **دوگانگی** یاد نام برده و آن را در زمره آرایه‌های ادبی در کتاب بدیع خود مطرح نموده است (کزازی، ۱۳۸۵: ۱۴۴). کاربرد لفظ **دوگانگی** برای کژتابی و قرار دادن آن در شمار آرایه‌های ادبی صحیح نیست؛ چون بعضی کژتابی‌ها معانی مختلف دارند. در عین حال، کژتابی عیب نگارشی محسوب می‌شود؛ در حالی که آرایه ادبی مؤلف‌های هنری است.

### مقایسه کژتابی با ایهام

شباهت کژتابی و ایهام در این است که هر دو یک واحد زبانی دارای دو یا چند تعبیرند ولی تفاوت آن‌ها این است که ایهام، هنری و ادبی است، آگاهانه به کار می‌رود، همه تعبیر آن مورد قبول‌اند و بیشتر در شعر از آن استفاده می‌شود ولی کژتابی یک عیب است، از روی اشتباه نویسنده وارد متن

کژتابی باعث کج‌فهمی، سوءبرداشت و به تبع آن، جنجال و مناقشه در سطح اجتماع می‌شود؛ در حالی که اشتباهات نگارشی دیگر چنین مشکلاتی را پیش نمی‌آورند. ناآگاهی گوینده و نویسنده از ساختار زبان و کاربرد نادرست واحدهای زبانی باعث می‌شود پیام به خوبی به مقصد نرسد یا در ارتباط اخلاص به وجود آید و مطلب خلاف آنچه هست دریافت گردد و در دسرهای زیادی به دنبال داشته باشد.

بحث کژتابی در کتب دبیرستان به‌طور پراکنده بازگو شده است. از جمله، ابتدا در درس زبان فارسی سال دوم با عنوان «بیاموزیم» مطرح گردیده و در سال سوم نیز به‌عنوان یکی از اشکالات نگارشی مورد توجه قرار گرفته است. پی بردن به جمله‌های مبتلا به کژتابی به تمرکز و دقت زیادی نیاز دارد. چرا که بسیاری از آن‌ها حتی از صافی ویرایش به‌راحتی عبور می‌کنند و بعضی نیز آن‌چنان پیچیده‌اند که در مرحله ویرایش نیز به‌طور کامل پالایش نمی‌شوند.

نگارنده قصد دارد کژتابی‌های موجود در دروس زبان فارسی که تحت عنوان خودآزمایی و فعالیت‌های درسی مطرح شده‌اند، همراه با اشکالاتی که در پاسخ به آن‌ها وجود دارد، بازگو نماید. در اینجا ابتدا جمله‌هایی که کژتابی دارند مطرح می‌شوند. سپس نظر مؤلفان محترم کتاب‌های کمک‌درسی در مورد آن‌ها نقد می‌گردد و در پایان، تا حد امکان ویرایش این جملات انجام می‌پذیرد. نگارنده در این

می‌شود، معنای قطعی آن مشخص نیست، بیشتر در نثرهای معمولی به کار می‌رود و در رساندن پیام اخلاص ایجاد می‌کند.

### انواع کژتابی

کوروش صفوی در کتاب «درآمدی بر معناشناسی» کژتابی را به انواع مختلفی تقسیم کرده است که عبارت‌اند از:

۱. ابهام واژگانی ← او همیشه غیبت می‌کند.  
۱. غایب بودن، ۲. پشت سر کسی حرف

زدن

۲. ابهام ساختاری ← غیبت او کار را خراب کرد.

۱. غیبت کردن او، ۲. غیبت درباره‌ او  
۳. ابهام گروهی ← دیوار ساختمان خراب شده؛

۱. دیوار خراب شده ساختمان، ۲. دیوار ساختمانی خراب شده

۴. ابهام نوشتاری ← این هندوانه را ببر.  
۱. ببر، ۲. ببر

### کژتابی در خودآزمایی و فعالیت درسی کتاب زبان فارسی

در زبان فارسی سال دوم، خودآزمایی درس ۱۵، جمله «به دوست همسایه‌ام سلام کردم» به عنوان جمله‌ای که کژتابی دارد، مطرح شده است ولی در کتب کمک‌درسی و گام‌به‌گام، جمله‌های اصلاح شده مربوط به آن کژتابی مجدد دارند که در این مقاله دو نمونه از آن‌ها بیان می‌شود. در کتاب معلم (راهنمای تدریس) جمله‌های ویرایش شده چنین آمده‌اند:

الف. به دوست همسایه‌ام سلام کردم.  
ب. به دوستی که همسایه‌ام است سلام کردم. (منشاری، ۱۳۸۵: ۱۸۹)

در راهنمای گام‌به‌گام نیز کژتابی درس دوباره بیان شده است و جمله «به کسی که دوست همسایه‌ام است سلام کردم» به عنوان پاسخ صحیح مطرح شده است. (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۰)

کژتابی جمله‌های بالا در ترکیب اضافی «دوست همسایه» نمایان شده است؛ چون مشخص نیست که واژه «دوست» به همسایه مربوط می‌شود یا به نهاد

جمله. بنابراین، وقتی از ترکیب «دوست همسایه» استفاده می‌شود، بدون شک همان کژتابی اول تکرار خواهد شد.

ویرایش درست جمله بالا این گونه است:  
الف. به دوستم، که همسایه‌ام است، سلام کردم.

ب. به کسی که با همسایه‌ام دوست است، سلام کردم.

در این جمله بین «دوست» و «همسایه» فاصله افتاده است و دیگر کژتابی مشاهده نمی‌شود.

### کژتابی در کژتابی

اگر جمله‌ای دارای دو کژتابی باشد و این دو از یک‌دیگر فاصله داشته باشند، رفع کژتابی چندان دشوار نیست ولی اگر دو

### پی بردن به جمله‌های مبتلا به کژتابی به تمرکز و دقت زیادی نیاز دارد. چرا که بسیاری از آن‌ها حتی از صافی ویرایش به راحتی عبور می‌کنند و بعضی نیز آن چنان پیچیده‌اند که در مرحله ویرایش نیز به طور کامل پالایش نمی‌شوند

کژتابی پشت‌سرهم و در یک گروه اسمی باشند، ضمن اینکه رفع کردن کژتابی‌ها مشکل است، به تمرکز زیادی هم نیاز دارد. برای استدلال، در ادامه دو نمونه از چنین کژتابی‌هایی همراه با نقد و بررسی آن‌ها مطرح می‌شود.

\* جمله «سعید با پدر و مادر معلمش برگشت» نیز در این درس به عنوان مثال بیان شده است ولی در همان کتب سه پاسخ در رابطه با جمله مزبور بیان شده است که در یک مورد اشتباه قبلی تکرار شده و از مورد کژتابی به طور کامل رفع ابهام نشده است:

کتاب گام‌به‌گام منتشران: سعید با پدر خود و مادر معلمش برگشت.

کتاب راهنمای تدریس: سعید با پدر و مادر معلم خودش برگشت.

پاسخ‌های مذکور ممکن است درست به نظر برسند، ولی جامع و مانع نیستند؛ چون دست‌کم پنج پاسخ نیاز است تا از این جمله رفع ابهام شود. در حالی که فقط سه پاسخ در هر دو کتاب مشاهده می‌شود. بدون تردید، وقتی بعد از دو واژه پدر و مادر کلمه «معلم» قرار می‌گیرد و از ترکیب «مادر معلم» استفاده می‌شود، کژتابی به قوت خود باقی است. همان‌طور که گفته شد لازم است بین دو کلمه «مادر» و «معلم» فاصله بیفتد تا کژتابی برطرف شود. در جمله یاد شده امکان پیش‌فرض‌های زیر وجود دارد:

الف. پدر و مادر هردو والدین سعید باشند.  
ب. پدر و مادر، والدین کسی هستند که معلم سعید است.

پ. پدر متعلق به سعید و مادر متعلق به معلم اوست

اگر فرضیه اول را در نظر بگیریم، باز هم جمله دارای کژتابی است؛ چون در این صورت با دو فرضیه دیگر مواجهیم:

الف: پدر و مادر سعید هر دو معلم‌اند.

ب: پدر معلم نیست ولی مادر معلم است. اینکه بخواهیم جملاتی بدون کژتابی بسازیم که همه این فرضیه‌ها را نیز در برداشته باشند، بسیار سخت به نظر می‌رسد. در اینجا سعی بر این است که جمله‌ها کژتابی نداشته باشند و تا حد امکان فرضیه‌های فوق را شامل شوند:

۱. سعید با پدر و مادرش که هردو معلم هستند، برگشت.

۲. سعید با پدر و مادر کسی که معلمش (معلم مدرسه‌اش) است، برگشت. (اگر فقط بگوییم معلمش، کژتابی ایجاد می‌شود؛ چون ممکن است خودش معلم آن فرد (کسی) فرض شود!) یا پدر و مادر کسی که معلم سعید است، با سعید برگشتند.

۳. سعید با پدر خود و مادر یکی از معلمانش برگشت.

۴. سعید با پدرش که معلم نیست و مادرش که معلم است برگشت. (سعید با

پدر خود و مادرش که معلم است، برگشت.)

۵. سعید با پدر خود و مادر کسی که معلم مدرسه‌اش است، برگشت.

ادامه مطلب در صفحه ۶۸

